



ده نتیجه از عاشورا و کربلا



به گزارش هدایت پرس؛ **حجت الاسلام محمد ادریسی** در یادداشتی ۱۰ نتیجه برای عاشورا و کربلا شمرده است که در ادامه از نظر می‌گذرد.

بقا اسلام در فنای حسین است. عجیب نیست که شخص امروز در محرم مثل دیروز نیست. سربازان تغییر می‌کنند اما جنگ بین حق و باطل همیشه هست. حسین را باید نوشت و خواند و شنید و فریاد زد و او را با تمامی سلول‌های وجود خویش به آغوش گرفت پس سلام ما به امام حسین (ع) بی طمع باشد و قیام ما برای او بی ریا باشد.

پیروز بودن همیشه کشتن نیست بلکه به کشته شدن در راه محبوب و یا به زنده ماندن در راه معشوق است و این ما هستیم که در کربلا عشق پدران و تعصب

برادرانه و عشق زنانه که بسیار جلوه گر است را می بینیم.

کسانی که حسین را تنها گذاشتند همان هایی بودند که به سایه ها ارزش دادند و به آنکه و آنچه که برایشان نمی ماند واگذار شدند و دل کندن از دنیا برایشان سخت و به خدا دل بستن برایشان محال بود و دست بسته در گناه نبودند و نخواستند که چشم باز در راه شوند.

مردم بعد از این واقعه نظامی و عاطفی و تربیتی که در این ایام اتفاق می افتد سه صورت پیدا می کنند که یا ناراحت هستند یا خوشحال یا بی تفاوت روزگار می گذرانند و ما در این روزها نمی توانیم ناراحت نباشیم چون این به دور از انسانیت و فتوت است و نمی توانیم خوشحال باشیم چون شریک در جنایت ها و اتفاقات آن روز خواهیم شد و نمی توانیم بی تفاوت باشیم چون هر کدام از ما در این ایام وظیفه ای داریم اما اینکه چرا بر امام حسین(ع) این همه مصیبت وارد شد چند مطلب مطرح می شود:

مطلب اول: آن همه ناملازمات به انسان های حاضر در جامعه آشفته ی آن روز باز می گردد که وظیفه حفظ جان امام و نزدیکان او را بر عهده داشتند اما در وظیفه خود کوتاهی کردند از جمله هواداران و علما و یاران دور و نزدیک حضرت امام حسین (ع) .

مطلب دوم: امام حسین(ع) قابلیت تحمل همه مصائبی که بر پیامبران در طول تاریخ وارد شد را یک جا داشت تا به اوج کمالات معنا ببخشد.

مطلب سوم: عامل همه مصیبت ها دوری از محوریت حق در آن زمان بود که ثقلین نام داشت و همه این مصیبت ها برای موعظه گرفتن آیندگان و متنبه شدن آنها بود.

مطلب چهارم: سیاست ها حاکم بر آن زمان به گونه ای پیش می رفت که حضرت برای برهم زدن آنها راهی جز تحمل آن مصیبت ها نداشت.

حرکتی که امام حسین(ع) شروع کرده بودند چهارحالت داشت :

اول: یا بر خودش و طرفیانش اثر می گذارد.

دوم: یا بر افراد که آینده می آیند اثر می گذارد.

سوم: یا بر مردم حاضر در آن زمان اثر می گذارد.

چهارم : نه بر افراد حاضر در آن زمان اثر می گذارد نه بر آیندگان و نه بر خودش و نه بر اطرافیانش اثری می گذارد.

و ما می بینیم گرچه مصیبت‌های زیادی بر خود حضرت و اطرافیانش وارد آمد اما این حرکت حسینی با قیام و خروج خود هم تعظیم آیندگان را به همراه داشت و هم بیدارگر مردم حاضر در آن زمانه بود.

عده ای با دعوت و بعضی هم بی دعوت آمدند و برخی از آنها کنار او بودند و ماندند و بعضی دیگر هم بهانه های مختلفی برای عدم حضور خود آوردند که چند دسته شدند :

دسته اول: آنها کسانی بودند که امام حسین (ع) را می شناختند و ظلم و جور کسانی که مقابلش بودند را هم می دیدند و هم عقیده بودند که فساد هست.

دسته دوم: کسانی بودند که امام حسین(ع) نمی شناختند اما جور و ظلم را می دیدند و هم نظر و هم عقیده بودند که مفسدان هستند اما به کناری نشستند و کاری نکردند.

دسته سوم: آنهایی که نه امام حسین (ع) را می شناختند و نه با خبر از ظلم ها و جورها بودند و از اوضاع زمان خودشان در بی اطلاع کامل بودند.

دسته چهارم: اشخاصی هستند که مخالف امام حسین (ع) بودند و سر در آخور فساد داشتند و مقابلش ایستادند که هم حضرت را می شناختند و هم از کارهای خود و نزدیکان خود خبر داشتند و حتی به آن افتخار هم می کردند.

این یکی از ظرفیت های لطیفانه و قابلیت های حرکت جاودان امام حسین(ع) است که درس هایی از که عاشورا گرفته می شود برای هر شخصی در هر عصری می تواند متفاوت باشد و باید در کنار وقایع حرکت امام حسین (ع) نتایج نیز گفته شود.

اگر کسی یک بار وقایع عاشورا و آن ایام را شنیده باشد یا که خود مطالعه نمایید می تواند به این نتایج برسد:

نتیجه اول: من ها به فدای هدف ها نه هدف ها فدای من ها.

نتیجه دوم: نباید از جنگ ها هراس داشت و اگر جنگی هم صورت گرفت فرزندان بزرگان و فرماندهان و سیاسیون باید سر نترس داشته باشند که در

صف اول حاضر شوند و نه آخر و یا فراری از نبرد و قبل از همه ،آنها به میدان ها بروند زیرا که:

اولاً: این نشان می دهد که فرزندان آنها درست تربیت شده اند.

ثانیاً: اعتماد مردم به رهبران آن جنگ بیشتر خواهد شد.

ثالثاً: مردم به اهداف آنها ایمان پیدا می کنند.

نتیجه سوم: چهره های مذهبی دلبسته به دنیا قطعاً پشت ولی زمان خود را خالی می کنند و آنها هرگز قابل اعتماد نیستند و آنها را اینگونه باید شناخت که :

اولاً:به طبقه پایین تر از خود به حقارت نظر می کنند.

ثانیاً:به طبقه بالاتر از خود حسودی می کنند.

نتیجه چهارم: هر چند شبیه غیر ممکن به نظر می رسد اما بهانه های مردم برای عدم حضور در صحنه های حساس از تمامی اقشار گرفته شود و هیچ بهانه برای همراه نشدن باقی نماند.

نتیجه پنجم: جذب باید غیر جبری باشد و هرگز نباید به مردم دروغ گفت و اوضاع گذشته و حال و آینده را کاملاً تبیین کرد تا هر آنکه خواست همراه شود.

نتیجه ششم: آنها که از بیت مال به هر نحو ممکن به حرام، اموالی را برده اند و خورده اند دیر یا زود آشکارا یا که پنهانی ضربه خود را خواهند زد و بایست که مراقب آنها بود.

نتیجه هفتم: بر روی آنها که ساده لوح هستند حتی اگر آدم خوبی باشند نباید سرمایه گذاری شود چون فرار می کنند و در بزنگاه تنهایتان می گذارند.

نتیجه هشتم: به همراهی دیگران نباید زیاد اطمینان داشت و به بودنشان نباید عادت کرد.

نتیجه نهم: با ترفند های تبلیغاتی و ابزار ها و گلوها می توان حقایق را به راحتی وارونه نشان داد به شکلی که پست ترین آدم ها جلو دار کارهای بزرگ شوند و بهترین آدم ها کنار گذاشته و ناشناخته و حتی کشته شوند.

نتیجه دهم: ممکن است آن کس که دشمن امروز تو است فردا یار و همراه تو شود و بلعکس.

آن وقایع و حقایق که آن روز در کربلا اتفاق افتاد را امروز هرگز نمی توانیم
تغییر بدهیم اما آنچه در کربلا و عاشورا اتفاق افتاد برای ما نتایج حقیقی و
مهم دارد که می تواند امروز و فردای همه ما را تغییر دهد.